

و اما عترت آن ترک کان ابرو و نرم بولری اول کان ابرو و حویلی عترت
 آوردی • رخت کما سبیل آن سز و سبیل کما برت • نرم صناعی اول سبیل
 سوسوی تک سبیل یعنی زلفی الهدی • جام قی وی بلیت و قمر زردان
 خشکی زد • شراب جامی و دودا سنگ بیک اول درون خشکی لغت و دم
 آوردی • آب قی زالیب • خشکی و دروان افر آوردی • جام خشکی درون
 افرای بیک سبیل لطافتی الهدی می که علیه ایلوی حراد کما المص و اول
 کینیت و حالتی دنا اولد غنا اشادر • تحت بلیت بر کما قیظ کمن ای
 خوش سخی • خوشی سخن لغت و حافظه قند بلیت و صفت ایلر • پیش
 طوطی نوزان • نام نرا ارا ارا برت • طوطی تک قند بلیت کما نمان یار
 ایلر مصلوب و کله در آواز مفاصله در هزار آواون حراد بون
 بلیت در • **و اما سفاک** چون قسرو و خا و در کلمه بر کف را ن زد
 سر و قتی چون که مشرف پاراشای کبار روزی علم آوردی یعنی آیت
 طلوع آتوی کما رطایح و پیمای علم بون سخی مفاصله در • برست
 تر حقیق بازم ذره آمیز و آران زد • حرمت ایل ایلر بزم بارم امیر
 بود که پیوستی آوردی در لاج و قلم قتی حق حق حضرت و عالم خول
 اندو کن اشرا در یادن مراد باری مع لی در • چه پیش صبح روشن
 شد که حال بر کرد و نا چیست • چه کما صبح ستن روشن اولوی که
 نکل آفتاب تک حالی نه در یعنی اول دفعی زوال دن خلاص بولای بر آت
 خنونه را خوشن بر عز و کما آران زد • صبح ظاهر اولوی دنیا صبا
 از کما عز و نه خوشن قند آوردی یعنی الهی غیب آتوی که نکل اولی آفتاب
 روال سز و زایل ابرو یا منصبه مغز و اول اولر • کما نرم دوش در مجلس

مفاصلین نفاصلین
 مفاصلین نفاصلین
 مفاصلین نفاصلین

معزم اقص چون بر خاست • کما نرم دون کبیر مجلس و چه کما رقص و صانع صدم
 قانعوی • کما رقص و از کسوت و بر طهای باران زد • کسوت سوزن که ای چو زدی
 و بارانک کما لرنه اوردی کما رقص حراد مرشد در کبیر مجلس عشق اسرار لطیف
 هر نه سوز کما سولوی عشق کما مکن کما سوزن عشق اولوی • کما از دیک صلاح
 اندم چون دل بخت زست • بر صلاح زنگون اول و در حزن ایلر ال بود یعنی
 صلاح دنا امید قطع انرم • کما چشم موده بینا پیش خلاصه هاشیا ران زد • کما کما
 مست چشمی هوشیاره • و صلا آوردی حراد مرشد نظایب عاقله ای طالب
 عشق اندو کن بیان در • کما آرا عشق دلش کما حقیقت آتوی عیاری • به عیار
 لق عادی اگر عشق آتو دل اگر توی • کما آرا عشق برودن آتو در است از عشق
 داران زد • کما اول چون عیار عشق شروع آتوی اجای بسیل ایلر کما یون آتو
 بر سوز عشق ای ظاهری اوزره زیاد عیار لغت کما سوز و صناعی باطنی اوزره
 حراد مرشد کما عیان صاحب نظر و صاحب جذبه ایلر و کن بیان در • خیال
 سوز آری بخت و سوز نا که دل سکین مسکن دن ناکاه شمس ایلر کما
 آتوی و کما بخت پیوردی مفاصله در معلوم اول اول اول کما ده که لغت مفاصله
 تعرض اولیه سهولت معنی ایچون در صلا ایلر واقع اولوی مکن اولیه خدا
 و ناکاه آتو کما که بر کتب سوزان زد • ای حراد ندرانی حفظ ایلر کما
 سوار خنده آوردی حراد حصول عشق ایچون بر مرشد هر ایلر بر صفا در مفاصله
 خصلت اولر لغت بیان در • عشق با چه زلف پیشین کما آتو کما آرم بنانی
 خرقه پیشین ایلر قند کما کما در عشق و اولوی صبر غایب از به جوز
 واقع در • زره موی کما کما کما کما کما کما کما کما کما کما کما کما
 خرقه کانی بیلوان لریوانی آوردی خرقه کما کما مفاصله در زوال جابر در

کما کما کما کما کما
 کما کما کما کما کما
 کما کما کما کما کما

Copy Right Reserved by eLibrary.org